

## به پیشواز اول ماه می روز بین المللی کارگر

روز اول ماه می روز بین المللی همبستگی پیکار جویانه طبقه کارگر است. در این روز در سال 1886 بیشتر از 350 هزار کارگر در شیکاگو (امریکا) جهت بکف آوردن خواست های اقتصادی شان منجمله (8 ساعت کار در روز) به تظاهرات پرداختند، ولی طبقه حاکمه به خواست آنها به گلوله پاسخ داد و صدها نفر کارگر را در آن روز به قتل رسانید. در سال 1889 روز اول ماه می توسط انتر ناسیونال اول بحیث روز بین المللی همبستگی مبارزه کارگران سراسر جهان اعلام گردید، از آن ببعد هر سال ملیون نفر کارگر در این روز بخاطر محو استثمار و ستم در راه سوسیالیزم به تظاهرات پرداخته و در سراسر گیتی در فحش سرخ مبارزات کارگری به اهتزاز در می آید. در گذشته در کشورهای سوسیالیستی شوروی، چین و آلبانی که هنوز بطرف رویزیونیسم نرفته بودند، کارگران به تظاهرات پرداخته و پشتیبانی عمیق خویش را از طبقات کارگر در کشورهای سرمایه داری و وابسته اعلام میکردند. در کشورهای سرمایه داری و رویزیونیستی و کشورهای مستعمره، نیمه مستعمره و نیمه فئودالی در این روز کارگران به تظاهرات پرشکوهی پرداخته و بر علیه استبداد، ستم و چپاول فاشیسم، فئودالیزم، استعمار و امپریالیزم به مبارزه قاطع ادامه میدهند. سرمایداران و مرتجین

بین المللی در ابتدا کوشیدند کارگران را در این روز از تظاهرات باز دارند و بدین ترتیب دولتهای دست نشانده آنها، تظاهرات کارگران را بخون آغشته ساختند، ولی هنگامیکه کارگران بارها ثابت ساختند که از تصمیمی که بخاطر نابود ساختن قهری سلطه سرمایه‌داری و مرتجعین گرفته اند، دست بردار نبوده و گلوله و سر نیزه، آنها را از گام نهادن در این راه باز داشته نمیتواند، سرمایه‌داران و مرتجعین ناگزیر دست به توطئه دیگری زدند و مجبور روز همبستگی کارگران را برسمیت شناختند. ولی از جانب دیگر کوشیدند از طریق اتحادیه های زرد امپریالیستی "کارگری" و همچنان توسط عمال خویش در درون جنبش کارگری (اپورتونیستها و رویونیستها) لبه تیز مبارزه کارگران را کند، و سمت مبارزه آنها را منحرف سازند و این روز تاریخی را بمثابة روز آشتی طبقات تجلیل نمایند. امروز طبقات ار تجاعی حاکم در کشورهای امپریالیستی، مستعمره و نیمه مستعمره برطبق لزوم از هر دو تاکتیک (سرکوب و انحراف جنبش کارگری) استفاده مینمایند.

## روز اول ماه می در کشورما افغانستان

روز اول ماه می برای اولین بار در افغانستان در سال 1968 (1347 ه ش) با تظاهرات کارگران، روشنفکران و توده های کشور تجلیل شد. در این روز روشنفکران انقلابی از مکاتب و پوهنتون بصوب کار خانات جنگلک براه افتاده و شعار های مرگ بر امپریالیزم، ارتجاع و استعمار نوین (سوسیال امپریالیزم) را بردوش خویش حمل مینمودند و با شعارها و هلله های زاید الوصفی فریاد میزدند. مرگ بر ارتجاع و امپریالیزم. در فابریکه جنگلک وطن فروشان "رویونیست خلق و پرچم" نیز اغواکنان داخل شده و تلاش داشتند تا کار

گران را فریفته و بدنبال خود بکشانند اما پس از یکی دوساعت که دیگر چهره واقعی شان افشأ شده وصابون شان بجان کارگران کارگر نیفتاد، سر شکسته و سر افکنده مجبور به ترک فابریکه گردیدند. رفقای مبارز و دلیر شعله ای تا حوالی ساعت 3 بعد از ظهر در فابریکه باقی ماندند و بعد از افشأ گری های انقلابی کارگران دلیر و مبارز کار خانات جنگلک با آنها یکجا تظاهر کنان بسوی شهر شتافتند. بلی کار گران کشور ما نخستین بار با بلند کردن درفش سر نگون باد امپریالیزم، ارتجاع و استعمار نوین، مرگ بر دولت استبدادی، مرگ بر پارلمان سرکاری، روز اول ماه می را تجلیل نمودند و به تعقیب مبارزات اول ماه می 1968 بود که جنبش کار گری کشور اوج و اعتلای نوین یافت. آری زمانیکه دار و دسته خلق و پرچم به آرایشگری رژیم جلادی ظاهر شاه مشغول بودند و مدح پارلمان قلابی و قانون اساسی ضد مردمی، دستورالعمل شان بود. نیروهای انقلابی و کار گری پیشتاز کشور ما، شیپور مبارزه بر علیه امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم، دولت دیکتاتوری ظاهر شاه را بصدا درآورده بودند. دار و دسته خلق و پرچم بعد از کودتای ننگین هفت ثور بسیاری از کار گران و روشنفکران انقلابی و مترقی را به زندان انداختند و بسیاری از آنها را به چوبه دار بستند. همین اکنون کار گران کشور ما در زیر چکمه های خونچکان اشغالگران امریکائی و نا توئی و فرومایگان و مزدوران داخلی آنها در شرایط بسیار سخت و دشواری بسر میبرند و بسیاری از آنها که به اثر سرازیر شدن تولیدات و امتعه خارجی به کشور و از کار افتادن تعداد زیادی از کارخانه های تولیدی داخلی کار شان را از دست داده اند، روانه کشورهای خارجی بویژه ایران، پاکستان کشور های عربی و غربی میشوند، تا لقمه نانی برای فامیل های شان تهیه نمایند آنها در آنجاها نیز به انواع و اقسام

مصایب و بی عدالتی مواجه میشوند و مورد بیرحمانه ترین نوع استبداد و استثمار قرار میگیرند. طبقه کارگر کشور ماکه در مبارزه بر علیه دشمنان طبقاتی خویش دستاورد های با عظمت و پر جلالی داشته است، رسالت تاریخی خویش را در این مرحله از تاریخ کشور ادا خواهد کرد و با بیرون راندن اشغالگران امریکائی و ناتوئی و سرنگونی حاکمیت دولت مزدور و حصول استقلال و آزادی کشور خود و سایر زحمتکشانش را از ستم و استثمار امپریالیسم و نیمه فئودالیسم نجات خواهد داد. در ذیل دو قطعه شعر انقلابی را که در روزهای اول ماه می توسط یکی از رفقای خوش صدای (شعله ای) قرائت میشد و سایر رفقا به آواز بلند آن را تکرار میکردند نقل مینمایم. هنوز که هنوز است امواج سرکش و توفنده این اشعار در گوش های رفقای انقلابی طنین انداز است و عظمت و صلابت جنبش کبیر و مردمی جریان دموکراتیک نوین (شعله جوید) را در خاطرات زنده میسازد.

## سرود کارگر

به پیش کارگر به پیش  
به پیش برزگر به پیش  
به واژگونی ستمگران  
به سوی شعله ها به پیش  
به سوی لاله ها به پیش  
به رزمگاه خلق خویش  
\*\*\*

زمان زمان کارگر  
جهان جهان کارگر

همواره سرخ و آتشین  
بود روان کارگر  
چوماهیان تند رو  
به موج انقلاب ها  
بود مکان کارگر  
به پیش کارگر به پیش  
به پیش بزرگر به پیش  
به واژگونی ستمگران  
به سوی شعله ها به پیش  
به سوی لاله ها به پیش  
به رزمگاه خلق خویش  
\*\*\*\*\*

به جنگ مفت خوارگان  
به رزم محنت آوران  
به خشم، همچو آتشت  
چوسیل مست و سرکشت  
که کوره های رنجها  
شد آشیان کارگر  
به پیش کارگر به پیش  
به پیش برزگر به پیش  
\*\*\*\*\*

جهان برای خائنان  
اگر پراز سعادت است  
زکار کار گربود  
زرنج رنجبر بود  
برای کارگر اگر  
جهان پر از فلاکت است

ز جور مالک است و خان  
زدولت ستمگران  
به پیش کارگر به پیش  
به پیش بزرگر به پیش  
به پتک کارگر درود  
به رنج رنجبر درود  
به داس برزگر درود  
پی نجات توده ها  
نه آشتی نه عرض و آه  
نه سازش است راه ما  
ستیزش است کار کا  
قیام ما شعار ما  
به پیش کارگر به پیش  
به پیش بزرگر به پیش  
به واژگونی ستمگران  
به سوی شعله ها به پیش  
به سوی لاله ها به پیش  
به رزمگاه خلق خویش

## رسم مردان

میبینمت، میبینمت  
روسوی زندان میروی  
با جرم عشق کارگر  
بایاد دهقان میروی  
میبینمت، میبینمت  
بارسم مردان میروی.

ذیحق مبارز مستقل  
نی مضطرب نی منقل  
بر داشته سر، پاکدل  
باعزم وایمان میروی  
میبینمت ، میبینمت  
با رسم مردان میروی.  
آنسان که باید بینمت  
افراشته قد، بینمت  
با فخر بیحد، بینمت  
آسوده وجدان میروی  
میبینمت ، میبینمت  
با رسم مردان میروی.  
بدخواه تو ننگین بود  
دستش زخون رنگین بود  
از عاقبت غمگین بود  
اما تو شادان میروی  
میبینمت ، میبینمت  
با رسم مردان میروی.  
بس راه ها سنجیده ئی  
راه نکو بگزیده ئی  
باطالمان جنگیده ئی  
بافخر شایان میروی  
میبینمت ، میبینمت  
با رسم مردان میروی.  
اکنون به زندان بینمت  
فردابه میدان بینمت  
در بین یاران بینمت

بافتح رخشان میروی  
می بینمت میبینمت  
برسم مردان میروی

"لاهوئی"